

اعتراض به تحریر تابعیت دوم

امیر فیض - حقوقدان

ایرانیار گرامی آقای امیر ابراهیمی فکسی برایم ارسال داشته که بمطلب تابعیت دوم ایرانیان در مقاله <پیشنهاد بیشرمانه> معترض اند، مختصرو فشرده اعتراض ایشان چنین است:

<من نمیتوانم باشما موافق باشم (۱) و آن در مورد تابعیت دوم ایرانیان است، من ۳۲ سال است که به اجبار در کشور آلمان اقامت دارم و حدود ۱۰ سال است که پاسپورت آلمانی گرفته ام، و این ترک تابعیت (۲) نه از سر جدائی از امام میهن بوده است بلکه از روی اجبار کامل (۳) به دلایل مختلف از جمله مسافرت، گردشها و یا ایجاد کار و یا استخدام شدن برای گذران امور زندگی و یا آسودگی از رفتن رنج آور هر دو سال به اداره اقامت و مواجه شدن با هزار ناز و غمزه کارمند مربوطه جهت زدن یک مهر اقامت..... تا آنجا که بخود من و آشنایان در این باب مربوط میشود من نه تنها سوگند را ادا نکرده ام بلکه ترک تابعیت ایران را نیز ننموده ام و اساسا ترک تابعیت باید بصورت کتبی از سوی من میبوده که نیست (۴) لذا من از شما درخواست عاجل دارم که ابتدا این مسئله که شاید در برگزیده بیش از ۹۰٪ ایرانیان خارج نشین باشد را بصورت یک معضل و سردرگمی در نیارید (۵) در این صورت باید فاتحه این نیمچه مبارزه و مبارزان رانیز خواند و بسط و اشاعه این موضوع میتواند به مانند بنزین دیگری باشد بر روی آتش مشکلاتمان.....>

ایرانیار گرامی آقای امیر ابراهیمی

(۱) آنچه در تحریر مورد استناد سرکارنوشته شده است نظر من نیست که جای موافقت و یا مخالفت را باز بگذارد، تشریح قانون تابعیت است که در سال ۱۳۰۸ بتصویب رسیده است.

(۲) حضرتعالی ترک تابعیت نکرده اید، قبول تابعیت دوم و یا سوم همانطور که از اسم آن برمیآید تابعیتی است که ضم بر تابعیت اصلی شخص است، فکر نمیکنم که هیچ یک از ایرانیان دارای تابعیت دوگانه به انجام تشریفات قانونی برای ترک تابعیت اصلی خودشان تن داده باشند، و از آنجا که قانون تابعیت ایران رسمیتی برای تابعیت دوم قائل نیست همه ایرانیان خارج از کشور که تابعیت کشور دیگری را پذیرفته اند تابعیت ایرانی آنها در موقعیت حقوقی خود باقی است، کما اینکه قبول تابعیت دوم نیازی به ابطال تابعیت اول ندارد.

(۳) قبول تابعیت دوم یک نوع عقد است یعنی تمام ارکان یک عقد حقوقی سالم باید در آن متمرکز باشد تا عقد تابعیت، حائز اعتبار حقوقی گردد. گره و تدلیس و اجبار از مواردی است که عقد تابعیت را فاسد و از اعتبار خارج میسازد، و این بدان معنی است که ایرانیانی که با قصد و رضای کامل تابعیت کشور دیگر را قبول نکرده اند همینکه موجباتی که سبب اجبار و گره شده از بین برود و آنها بتوانند به کشورشان بازگردند **باید بدون فوت وقت تابعیت دوم خود را باطل کنند** و اگر از شرط فوریت گره استفاده نکنند از مشکل تابعیت دوم رهائی نخواهند داشت یعنی نمیتوانند مشاغل دولتی در ایران داشته باشند.

(۴) آگاهی از مسائل قانونی و حقوقی سالب سردرگمی و رفع معضل است. برعکس، نا آگاهی است که سبب سردرگمی و معضل میشود.

بسیار دشوار و بل غیرممکن است که انسان تحقیقی را ارانه دهد که هم مستند باشد و هم همه خوانندگان را راضی سازد. ذوق و برداشت افراد از نوشته هایکسان نیست و متفاوت است.

هرکه تالیفی بهر عنوان کند ذوق خود را در ترازو مینهد
در ترازوی پسند مشتری بیگمان شاهین گهی سر میزند

در این فرصت مناسب خواهش دارم سردرگمی مبارزه را به حساب بحث تحقیقی تابعیت نگذارید که سردرگمی مبارزه مقوله دیگری است، و نوشته ها هم در سطحی نیستند که بتواند چون بشکه باروت مبارزه را متلاشی کند در حالیکه تحریرات سی و چند ساله نتوانسته مبارزه را به حرکت در آورد چگونه ممکن است این نیمچه باقی مانده از آنرا از بین ببرد؟

توضیح اضافی

برخی قوانین با آنکه لازم الاجرا هست چون قانون میباشد ولی ممکن الاجرا نیست، یعنی به دلایل گوناگونی در محور اجرایی قرار ندارد نمونه بارز آن همان اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت است، قانون تابعیت ایران هم در ردیف همان قوانینی است که در محور اجرایی قرار ندارد، شاید در طول مشروطیت ایران بندرت موردی باشد که شخصی برسم مقرر در آن قانون تابعیت کشور دیگری را قبول کرده باشد.

حسب ماده چهاردهم قانون تابعیت سال ۱۳۰۸ کسانی که بدون رعایت قانون تابعیت، تابعیت کشور دیگری را قبول کنند در عین اینکه تابعیت دوم آنها پذیرفته نمیشود ولی کلیه اموال غیر منقول آنها با نظارت دادستان فروخته میشود و وجه آن به شخص داده میشود.

آیا شنیده اید و یا دیده اید که نسبت به یک ایرانی دارای تابعیت دوگانه ماده ۱۴ بوسیله جمهوری اسلامی اجرا شده باشد؟

نه در دوران سلطنت شاهنشاه ایران و نه در حکومت غاصب جمهوری اسلامی به صراحت قانون تابعیت که دارندگان تابعیت دوگانه از اشتغال به مقامات دولتی محرومند جامه اجرایی داده نشده است.

همین دیروز خبرگزاری فرانسه خبر داد که دادستان جمهوری اسلامی از تابعیت دوگانه انگلیسی مدیرعامل پتروشیمی خبر داد - [هوشنگ] امیر احمدی که دارای تابعیت آمریکائی است خود را بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری ایران معرفی کرده است - خاوری با داشتن تابعیت کانادائی ریاست بانک راعهده دار بود.^۱

قرائن نشان میدهد که بسیاری از دولتمردان جمهوری اسلامی تابعیت های چند گانه دارند مقصود از اشاره بالا این است که قانون تابعیت خاصه بخش تابعیت اکتسابی آن از محور اجرایی خارج است، بنابراین مسئله تابعیت، فنومنی نیست که مبارزین را در موقعیت حیثیتی و روحی قرار دهد و با آزادی ایران و رفع تسلط غاصبانه از هویت ایران و در کلامی روشن رفع اضطرار همه چیزیه وضع عادی بر خواهد گشت، قبول تابعیت های خارجی و پناهنده شدن به کشورها همه زائیده

^۱ - در گذشته محمد مصدق تابعیت سوئیس را داشت و نخست وزیر بود - شاپور بختیار تابعیت فرانسه را داشت و نخست وزیر شد. ابراهیم یزدی تابعیت آمریکا را داشت وزیر خارجه رژیم غاصب شد. ح-ک

اضطرار و ناچاری و تشویش و نگرانی است و هم در حقوق مدرن و هم در حقوق اسلامی مضطر و ناچار
مبرا از گناه و تخلف است مولوی در این باره بی‌بی دارد که باتفاق می‌خوانیم

بالتیماں بستہ نیکان ز اضطرار ز اضطرار است مردمی مردار خوار